



دلارام صادقی
گفت و گو

حسین مهری

بازیگر فیلم‌های «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» و «گروکودیل»

در گفت و گویا «صبا»:

بازی در ژانر کمدی را بسیار دوست دارم

«ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی سیدمحمد رضوی است. این فیلم که ادامه فیلم «ماجراجای نیمروز ۱» است در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم «فجر» نمایش داده شد و از ۳ مهرماه آکران عمومی خود را آغاز کرده است. حسین مهری از بازیگران تلویزیون و سینما، اکنون دو فیلم «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» و «گروکودیل» را در پرده آکران دارد. حسین مهری در سری اول «ماجراجای نیمروز» تیز حضور داشت. اکنون به پهنای آکران «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» و «گروکودیل» یا او گوی زدیدم که در ادامه می‌خوانید.

مقایسه‌هایی نیز در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد؛ چقدر این موضوع کار شما را سخت‌تر کرد و به حساسیت بیشتری از جلب‌شمانیاز داشت؟
می‌گویند «عباس زری‌باف» بزرگ‌ترین جاسوسی بوده است که در دوره چهار ساله به حکومت نفوذ کرده است اما اطلاعات کافی که مردم از این شخصیت داشته باشند، وجود ندارد و ما فقط یک قطعه عکس از او دیده بودیم و چیزی نبود که بگوییم ملیه‌زای بی‌رونی داشته است. ما فقط برخی فعالیت‌هایی که این آدم انجام داده بود را می‌دانستیم و بخش‌های دیگر را باید با تخیلی که احساس می‌کردیم به این کاراکتر نزدیک است، انجام دادیم.

برداشت ما از شما این است که شخصیت بسیار آرامی دارید؛ البته کاراکتر «عباس زری‌باف» هم آن چنان شخصیت، رزون‌گرایی ندارد اما در موقعیت‌های

کاراکتر «عباس زری‌باف» که در «ماجراجای نیمروز» نقش او را ایفا می‌کنید از دل «مجاهدین خلق» می‌آید و طبیعتاً حساسیت‌های خاصی برای بازی می‌طلبید برای بازی در این نقش چه اندازه از متن و شخص محمدحسین مهدویان در مقام کارگردان کمک گرفتید و چه اندازه خودتان برای نقش و درباره «مجاهدین» مطالعه کردید؟
بسیاری از فیلم‌ها بودند که تماشا کردیم و سندهایی وجود داشتند که آن‌ها را مورد مطالعه قرار دادیم؛ برخی موضوعات با مشورت‌های محمدحسین مهدویان و مواردی هم در متن بر اساس تحقیقاتی که گروه نویسنده انجام داده بودند، صورت گرفت.

بازی در نقش‌هایی مانند «عباس زری‌باف» از این جهت که مخاطب می‌داند ملیه‌زای بی‌رونی داشته است نقش حساس‌تری به حساب می‌آید و حتی گاهی



پر جنب و جوشی قرار می‌گیرد. چه اندازه این نقش مانند سکانس‌های مبارزه، عملیات «مرصاد» و درگیری‌ها سخت بوده و شما را به چالش کشید؟
صحنه‌های درگیری بسیار عظیم بودند و مشکلاتی مانند سردی هوا، زخمی شدن و اتفاقات مهم فیزیکی که امکان داشت برای ما بیفتد، وجود داشت. صحنه آتش زدن بیمارستان اسماعیل‌آباد بر روح آدم تاثیر بسیار منفی می‌گذاشت؛ بازی کردن در این صحنه از لحاظ حس و حال برای «عباس زری‌باف» واقعی و منی که نقش او را بازی می‌کنم، خیلی متفاوت است. بازی در صحنه آتش زدن بیمارستان اذیت‌م می‌کرد؛ این که چطور عده‌ای می‌توانند وارد بیمارستان شوند، بچه‌ها، زنان و مردان که در بیمارستان در حال مذاوا شدن هستند را این‌گونه به خاک و خون بکشند.

فارغ از شخصیت‌سازی که به شما و متن بازی می‌گردد، بحث ظاهری کاراکتر مانند پوشش و گریم مطرح است. چه اندازه این عناصر به شما برای ایفای بهتر نقش کمک کرد؟
سعی می‌کردیم گریم و تیپ شخصیتی، تا حدود زیادی نزدیک به شخصیت واقعی «عباس زری‌باف» شود. گریم و طراحی لباس بسیار مهم است؛ من گریم خودم را در این فیلم دوست داشتم. اگر گریم مقداری شما را به سمت نقش حرکت ندهد، هر روز که قرار است جلوی دوربین بروید ممکن است برای شما آزار دهنده باشد اما زمانی که با گریم ارتباط برقرار می‌کنی، می‌تواند به در آوردن بهتر نقش و روحیات آن کمک کند. در «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» یک گریمور بسیار درجه یک، یعنی آقای خلیج را داشتیم، به علاوه مجری گریم هم به قدری در ریزه‌کاری‌ها دقیق بودند که بسیار لذت بردم.

متنای روایت «ماجراجای نیمروز» عملیات «مرصاد» بود؛ هنگامی که برای فیلمبرداری به صحنه می‌رفتید آورده‌ای برای نقش و فیلم داشتید؟

بخش اعظم بازی من مربوط به عملیات «مرصاد» بود، ما سعی کردیم همان بخش را به مخاطب نشان دهیم و به گروه‌های دیگر در آن زمان نپرداختیم. ما از زمین هر سه جناح یعنی رزمندگان که در آن زمان بودند، مجاهدین و مردم، بسیاری از موضوعات را شنیدیم و این گفت و شنودها به در آوردن موضوعات به ما کمک می‌کرد.

در تلویزیون سریال‌هایی که به موضوع «مجاهدین خلق» پرداختند مانند «رمغان تاریکی»، «نفس» و... را داشتیم در سینما هم چند کار مانند «سیلور»، «امکان‌مینا» و... را شاهد بودیم؛ حضور کارهای این‌چنینی و همکاری با کسانی که تجربه کارهای ارزشی مانند محمدحسین مهدویان و سیدمحمد رضوی را دارند چه جایگاهی برای شما در مقام بازیگر دارد؟ فکر می‌کنید موضوعی مانند «مجاهدین خلق» تا چه اندازه پتانسیل پرداختن در سینما دارد؟

حالت و هوایی که در فیلم وجود داشت و کار بار حسین مهدویان از موارد جذابیت کار در این فیلم برای من بود این طور نبود که بگویم دوست دارم در تاریخ کنکاش کنم زیرا گاهی وقتها شاید نتوان در تاریخ واقعیت را از خیال تشخیص داد، به همین دلیل علاقه‌ای هم برای پرداختن به «مجاهدین» ندارم مگر این که شناخت کلمه‌ای از موضوع داشته باشیم. در فیلم «ماجراجای نیمروز» تحقیقات فراوانی در رابطه با عملیات «مرصاد» انجام دادیم.

در این سال‌ها حجمه و اتفاقاتی در فیلم‌های ارزشی شده است مبنی بر این که می‌گویند این فیلم‌ها سفارشی هستند و برای مردم ساخته نمی‌شوند. نظر شما به عنوان بازیگر در این خصوص چیست؟

این آثار برای مردم ساخته می‌شوند. نظرات مختلفی وجود دارد و همه این دیدگاه‌ها محترم هستند حتی کسانی که با آن‌ها مخالف هستند. ترجیح می‌دهم نظرم را برای خودم بگویم.

زملی که «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» در جشنواره سال گذشته نمایش داده شد، برخی عقیده داشتند یک پله از «ماجراجای نیمروز ۱» عقب‌تر است و این بار ضعیف‌تر از سری قبل عمل کرده است؛ با این دیدگاه موافقت می‌کنید؟

به دلیل علاقه‌ای که به این پروژه دارم، نگرانی این‌چنینی به فیلم ندارم. برای من این دواژ، دو کار متفاوتی هستند که در آن‌ها حضور داشتم؛ سری اول و دوم فیلم برای من رنگ و بوی متفاوتی دارد. «ماجراجای نیمروز ۱» به دلیل این که نخستین بار به قصه این‌چنینی می‌پرداختند جذابیت بیشتری برای مخاطبان داشت.

در حال حاضر دو فیلم در ژانر و فضای کاملاً متفاوت به نام «ماجراجای نیمروز ۲: رد خون» و «گروکودیل» بر پرده آکران دارد و تاکنون بازی در ژانرهای متنوعی را تجربه کرده‌اید؛ با توجه به این که هر دوی این آثار، فضایی جنا از کمدی دارند و نظر به این که فیلم‌های کمدی جنا از مقوله کیفیت، گیشه خوبی در این سال‌های اخیر داشته‌اند، این موضوع شما را به بازی در این ژانر ترغیب نکرده است؟

ژانر کمدی را بسیار دوست دارم اما کاری که برای من جذابیت داشته باشد؛ صرفاً این که بخواهم فقط کاری را انجام دهم تا به یک درآمد برسم و در پروژه به من خوش بگذرد، نه! نگاه من به بازیگری هیچ‌وقت این‌گونه نبوده و گرنه می‌توانستم در این مدت که در سینما و تلویزیون بازی کرده‌ام در جایگاه بهتری قرار بگیرم اما برای یک سری نگاه و حساسیت‌هایی که خودم به این حرفه دارم دوست داشتم فرصت دهم تا هر کاری سر جای درستش اتفاق بیفتد. همان‌طور که گفتم ژانر کمدی را دوست دارم و اولین فیلمی که دغدغه‌ام برای ساختن باشد قطعا یک فیلم کمدی است اما نه کمدی که تنها هدفش خندانن مردم باشد.

تصمیم به ساختن فیلم سینمایی دارید؟
این که بگویم خیلی زود قصد ساختن دارم، نه! اما به فیلمنامه‌های راجع به کودکان، نظام آموزشی و شرایطی که بر نظام آموزشی حاکم است، می‌پردازم. به‌طور حقیقی و در واقعیت فضای حاکم در آموزش، فضایی سراسر کمدی را ایجاد می‌کند و پرداختن به آن در قالب فیلم و داستان که رسیدن به یک کمدی جذاب را نتیجه دهد سخت نیست.

چطور شد که تصمیم گرفتید در ژانر کودک و نوجوان که بسیار در سینمای ما مروج است، فعالیت فیلمسازی را آغاز کنید؟

عدم توجه به این ژانر اهمیتی ندارد؛ برای مثال من این نگاه را متوجه نمی‌شوم که هنرمندی به این فکر کند، بازار کمدی بهتر است، پس فیلم کمدی بسازد تا بهتر بفروشد. من باید دغدغه خودم را بسازم؛ بهتر است کار دیده شود اما اگر خیلی هم دیده نشد مهم نیست؛ دغدغه من و هدفی که برای بهتر شدن جملعمام آن را انجام می‌دهم دارای اهمیت است. این که بگویم اکنون ژانری دیده نمی‌شود در نتیجه این کار را انجام ندهم بسیار اشتباه است مانند این می‌ماند که بگوییم برنج ایرانی استفاده نکنیم برای این که برنج هندی فروش بهتری دارد. کار پسندیدهای نیست که این‌گونه فکر کنیم، هنرمند از خودش فاصله می‌گیرد و مجبور می‌شود فیلمی را بسازد که دیگران گفتند این فیلم را بساز چون ما طرفدار این ژانر هستیم. در این صورت هنرمند تبدیل به اسباب‌بازی می‌شود.

فیلم سینمایی «گروکودیل» که اکنون در حال آکران است، دغدغه مواد مخدر را بیان می‌کند. فیلم‌های بسیاری در مدیوم سینما به این مسئله پرداخته‌اند؛ زاویه دید «گروکودیل» نسبت به این مقوله چه تفاوت‌هایی با چنین فیلم‌هایی دارد و چه اندازه توانسته موفق عمل کند؟

فکر نمی‌کنم تفاوت زیادی وجود داشته باشد. زملی که می‌خواستیم این فیلم را بازی کنیم، تحقیقات فراوانی انجام دادیم حتی با چند نفر از قاچاقچیان مواد مخدر صحبت کردیم؛ از آن‌ها پرسیدیم سوال واضحی از شما دارم، کسی هست که مواد مصرف می‌کند او را دستگیر می‌کنند سپس از او می‌پرسند مواد را از چه کسی گرفتای؟ او در جواب می‌گوید: از فلان کس که در خیابان مواد می‌فروشد؛ آن آدم را هم دستگیر می‌کنند و همان سوال را از او می‌پرسند او می‌گوید: از کسی که تقریباً عمده می‌فروشد؛ عمده فروش هم دستگیر می‌شود و سوال هم تکرار؛ او هم جواب می‌دهد از کسی که بزرگ‌ترین قاچاقچی مواد است؛ در این صورت که خیلی راحت می‌توان موضوع را ریشه کن کرد. یک قاچاقچی به من جولی داد که مغز م سوت کشید و باورهایم به هم ریخت تا جایی که متوجه شدم بسیاری از کارهایی که در این زمینه می‌سازیم بیشتر یک کمدی است تا واقعیت حالا از شمامی پرسیم؟ اگر من بعنوان یک آدم عادی علیه یکی از بزرگ‌ترین قاچاقچیان کشور اقدامی انجام دهم، اتفاقی برای او رخ می‌دهد؟ خیر؛ بلکه برای من اتفاقی می‌افتد، چرا باید این اتفاق برای من بیفتد؟ اساساً مشکل از جایی دیگر است و این موضوع برای انسان‌هایی که بی‌گناه و معصوم در جملعه زندگی می‌کنند، بسیار خطرناک است.